افراد القرائة بالرواية و تجزی در قرائت

به این خوب دقت کنید. توضیح مفصل آن بعداً ان شالله. در این ایام دو-سه نکته آمد و جمع بندی هایی شد که نزد خود من از عیدیهای ولادت موفور السرور بود. ببینید افراد القرائة خیلی مهم است. بحث کمی نیست. مرحوم نجاشی در رجال دارند «لابان مفردة فی القرائة». ابان بن تغلب مفرده داشته. یعنی چه که مفرده داشته؟! مرحوم نوری این مفرده را میگیرند و میگویند همه اینها بیخودی است. درحالیکه مفرده اصطلاح خاص خودش را دارد. ما دو جور افراد داریم. این دو جوری را که عرض میکنم تا حالا در جایی ندیدهام. این دستهبندی را قبلاً هم در مباحثه نگفتهام. ولی دستهبندی را میگویم تا شما ببینید له ای علیه آن شواهدی دارد یا نه.

دو جور افراد داریم. افراد به چه معنا است؟ یعنی وقتی استاد شروع تعلیم قرآن به شاگرد میکرد تنها سراغ یک قرائت میرفت. کاری با سائر قرائات نداشته و اصلاً ذکر نمی کرده. بلکه قرآن را به او القاء میکرده و تا آخر می رفته. به این افراد القرائة میگویم. افراد القرائة که خیلی مهم است دو جور بوده؛ افراد القرائة بالرواية؛ یعنی می گفته اینجا بنشین و از من بشنو و بعد هم برای من بخوان. چه چیزی را بشنو؟ اینهایی که من برای تو میگویم فقط من ناقلش هستم. عین همین ها را از استادم شنیدهام. این افراد القرائة بالرواية است که شیخ، راوی و ناقل محض است. اینجا است که سفارش میکنم این را بخوانید؛ ابن مجاهد مقدمه بسیار خوبی بر کتاب السبعة دارد؛ آقای شادی حکمت ناصر این مقدمه را برداشته و از آن سوء استفاده غریبی کرده. حتماً باید آن را بحث کنیم. سوء استفاده غلط غلط. همه کتابش را بر این برداشت غلط مبتنی کرده. ان شالله میخوانیم. ما که تعصب نداریم بگوییم حرف ما درست است. من حرف ایشان را میخوانم تا ببینید برداشت ایشان درست است یا نه.

ابن مجاهد مقدمه خوبی دارد. میگوید همه قاری ها که یک جور نیستند. مثل مجتهدین است. شما میگویید طلبه داریم، یک سطح بخوان داریم، یک خارج خوان داریم، مجتهد داریم، اعلم و افقه داریم. همه اینها برای ما روشن است. او میگوید قاری ها هم همینطور هستند. میگوید یک قاری هست که وقتی اقراء میکند تنها راوی است. ما آنها را میشناسیم لذا اگر در آن دست برد گوشش را میگیریم. میگوییم تو کسی نیستی که در اینجا اهل اختیار باشی. از باب تشبیه به او میگوییم تو مجتهد نیستی.

اما یک کسی داریم که امامٌ فی القرائة است. یعنی له اهلیة الاختیار. این اصطلاح اختیار را داشته باشید. لذا میگوییم که عاصم قاری است. اما حفص راوی است. یعنی ممکن نیست که حفص امام باشد. نمیتواند جای عاصم قرار بگیرد. عاصم امام است و مختار دارد. نافع امام است. یعنی مختار دارد. شواهد آن را هم عرض میکنم.

بازبینی #2
ایجاد شده 19 مارس 2024 12:28:29 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 مه 2024 13:38:27 توسط ... .